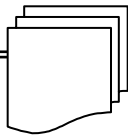




مبانی فقهی - حقوقی اطلاع رسانی و محدودیت‌های آن

علی جعفری*



چکیده: اصل آزادی اطلاع رسانی نه تنها به موجب اصاله الاباحه مورد منع شارع نیست، بلکه دلیل بر تأیید شارع نیز وجود دارد و حتی در مواردی ضروری است. آزادی اطلاع رسانی از مصادیق بارز آزادی بیان است که در اسناد بین‌المللی از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است.

از سوی دیگر حق حریم خصوصی و منع ورود به حیطه خصوصی افراد نیز مورد نظر شارع مقدس می باشد و در دهه‌های اخیر مورد توجه جدی حقوقدانان بوده است و گرایش عمومی در کشورها، تصویب قوانین مستقل در خصوص حمایت از حریم خصوصی است. حق آزادی اطلاع رسانی رسانه‌ها و حق حریم خصوصی افراد در مواردی در تقابل با یکدیگر قرار می گیرند. قوانین و مقررات ایران حدود این حقوق را از یکدیگر مشخص نکرده است. بنابراین لازم است رابطه آنها مورد بررسی فقهی و حقوقی قرار گیرد. علاوه بر حریم خصوصی، اشاعه فحشا، نفع و مصلحت عمومی برای سانسور از موارد استثناء اصل آزادی اطلاع رسانی است که در این نوشتار مورد بحث قرار خواهد گرفت.

واژگان کلیدی: اطلاع‌رسانی، رسانه، حریم خصوصی، مصلحت، اشاعه

فحشا

* عضو هیات علمی دانشگاه حضرت معصومه(س) و عضو شورای علمی گروه فقه و حقوق ارتباطات پژوهشکده باقرالعلوم(ع) E Mail: Jafarilaw@gmail.com

مقدمه

بر مبنای اصل آزادی اطلاع‌رسانی، مردم حق دارند به اخبار عمومی دسترسی داشته باشند، آن را به یکدیگر منتقل کنند و در باره آن اظهار نظر (و احیاناً نقد و اعتراض) کنند. گذشته از میزان درستی و صداقت در طرح این آموزه‌ها و اینکه مدعیان تا چه اندازه در عمل به آن وفادار مانده‌اند، تبیین موضع اصولی نظام سیاسی و فکری ما در این باره ضروری است.

ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر (مصوب دهم دسامبر ۱۹۴۸) به صراحت چنین بیان کرده است:

"هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد" پیش از آن هم قطعنامه شماره ۵۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۶۴ تصریح کرده بود که "آزادی اطلاعات یک حق بنیادین بشر و ... سنگ بنای تمام آزادی‌هایی است که سازمان ملل خود را وقف آن کرده است." البته باید توجه داشت که: اولاً: مقصود از "حق دسترسی به اطلاعات"، دسترسی به اطلاعات "عمومی" است و شامل اخبار مربوط به حریم خصوصی دیگران نمی‌شود.

ثانیاً معلوم است که "اصل" آزادی اطلاعات همانند هر "اصل" دیگری بدون حد و استثناء نیست. عقل و تجربه بشر او را به این واقعیت انکارناپذیر رهنمون شده است که غیر از اطلاعات خصوصی دیگران، برخی اخبار و اطلاعات عمومی و دولتی نیز وجود دارد که برای حفظ مصالح اجتماع قابل دسترسی و انتشار نیست. اعلامیه جهانی حقوق بشر، پس از تبیین حقوق بنیادین، در ماده ۲۹ خود همه آنها را چنین محدود ساخته است:

"..... هر کس در اجرای حقوق و استفاده از آزادی‌های خود فقط تابع

محدودیت‌هایی است که به وسیله قانون منحصرأ به منظور شناسایی و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران و برای رعایت مقتضیات صحیح اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی در شرایط یک جامعه دموکراتیک وضع شده است."

این محدودیتها باید حتماً مذکور در قانون و برای تامین یکی از اهداف یاد شده باشد؛ اهدافی که در بند سوم ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی چنین خلاصه شده‌اند: احترام به حقوق یا حیثیت دیگران و حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی یا سلامت یا اخلاق عمومی (اسماعیلی، ۱۳۸۹، ص ۲۴۷)

واقعیت آن است که نظریه "حاکمیت الهی"، گاهی دچار نوعی کج فهمی و گاه غرض ورزی شده است. از گذشته‌های دور کسانی، از روی نادانی یا به صورت دانسته، "حاکمیت الهی" را مترادف با نفی مردم‌سالاری و به معنای نابرخورداری مردم از هر حقی معرفی کنند. بنابراین برداشت هولناک، مشروعیت الهی حکومت به معنای آن است که مردم بدون آنکه از هیچ حق و امتیازی برخوردار باشند، تنها مکلف به دفاع از حکومت و جانفشانی برای بقای آن هستند.

به تعبیر شهید مطهری "اندیشه‌ای خطناک و گمراه‌کننده در قرون جدید میان بعضی از دانشمندان اروپایی پدید آمد که در گرایش گروهی به ماتریالیسم سهم بسزایی دارد، و آن اینکه نوعی ارتباط تصنعی میان ایمان و اعتقاد به خدا از یک طرف و سلب حاکمیت توده مردم از طرف دیگر برقرار شد. مسئولیت در برابر خدا مستلزم عدم مسئولیت در برابر خلق خدا فرض شد و حق الله جانشین حق الناس گشت. ایمان و اعتقاد به ذات احدیت - که جهان را به حق و به عدل بر پا ساخته است - به جای این که زیربنا و پشتوانه اندیشه حقوق ذاتی و فطری تلقی شود، ضد و مناقض

آن شناخته شد و بالطبع حق حاکمیت ملی مساوی شد با بی‌خدایی." (مطهری، ۱۳۷۹، ج ۱۶، ص ۴۴۸)

ایشان با اشاره به نمونه‌هایی از متون دینی، و از جمله این گفته معروف پیامبر اسلام که "کلکم راع و کلکم مسئول" نتیجه می‌گیرد که "از نظر اسلام، درست امر به عکس آن اندیشه است." (مطهری، ۱۳۷۹، ج ۱۶، ص ۴۴۸)

ایشان در جای دیگری، رواج این اندیشه خطرناک و گمراکننده را بی‌ارتباط با عملکرد خلفا و سلاطین مسلمان نمی‌داند و تصریح می‌کند که این حاکمان ناصالح برای توجیه رفتار خود و جلوگیری از اظهار نظر و نقد عامه، مقدس بودن حکومت را به تقدس حاکمان معنی کردند تا به این ترتیب مردم را از حقوق اولیه خود در عرصه سیاست و زندگی جمعی محروم کنند و همین باعث شد تا گروهی از روشنفکران متدین هم برای رهایی از این مشکل به دامان سکولاریسم پناه ببرند. (مطهری، ۱۳۷۹، ج ۱۶، ص ۴۴۱)

یکی از حقوق همان حق آگاهی مردم از روند تصمیم‌گیری و اقدامات حکومت است که موجب برقراری، حفظ و توسعه اعتماد متقابل بین مردم و حاکمیت شده و کمیت و کیفیت سطح مشارکت عمومی و مدنی برای پیشبرد اهداف جامعه را در پی دارد. شفافیت و علنی بودن اطلاعات عمومی (بجز موارد استثناء)، همچنین بهترین ساز و کار برای از بین بردن زمینه ویژه خواری، پیشگیری و مبارزه با فساد اداری و اجتماعی، اصلاح امور و در نتیجه افزایش کارآمدی حکومت هاست و هیچ کس حق ندارد اسلام را مخالف با این امور نشان دهد و نظام سیاسی و مردم ما را از برکات آن محروم سازد.

۱- مبانی نظری آزادی اطلاع‌رسانی

بر پایه‌ی اصله الاباحه، که نظریه غالب اصولیون معاصر است و بر اصله الحظر برتری داده شده است، علی‌الاصول جریان آزاد اطلاعات مورد منع

شارع نیست. اما می‌توان ادعا کرد جریان آزاد اطلاعات نه تنها به موجب اصله الاباحه مورد منع شارع نیست، بلکه دلیل بر تأیید شارع نیز وجود دارد و حتی در مواردی ضروری است. دلایل ضرورت آزادی اطلاع‌رسانی عبارتند از:

یکم، ممنوعیت کتمان حق:

در آیه ۴۲ سوره بقره می‌خوانیم «ولا تلبسوا الحق بالباطل وتکتبوا الحق وانتم تعلمون». و حق را با باطل نیامیزید و حقیقت را با اینکه می‌دانید کتمان نکنید.

جمله «وانتم تعلمون» وجه ممنوعیت را معلل می‌سازد و مستفاد از آن این است که کتمان آگاهانه «حق»، ممنوع و منهی می‌باشد و از این «تعليق الحكم بالوصف»، علیت یا حداقل حیثیت استفاده می‌شود. در آیه مورد بحث به دلیل عبارت «وانتم تعلمون» و یا جمله «افلا تعقلون» دریافت می‌شود که هر عاقل و عالمی وظیفه‌اش عدم کتمان حق است. (خمینی، سید مصطفی، ۱۴۱۵ ق، ج ۵، ص ۵۴۴)

گفتنی است که حق به معنای کلام مطابق با واقع مفهومی است که بر اخبار صادق منطبق است و ملاک مطابقت نیز واقعیت خارجی است؛ لذا اخبار صادق و مطابق با واقع مشمول عنوان حق شمرده می‌شود و کتمان آن‌ها مشمول نهی مذکور در آیه است. بنابراین هرگاه انسان بر اطلاعات و اخباری آگاه باشد، کتمان آن ممنوع است.

ممکن است این اشکال مطرح شود که بر این اساس گفتن و نشر همه اخبار و اطلاعات بر همه اشخاص واجب است! در پاسخ می‌گوییم خطاب نهی قرآن متوجه کسانی است که کتمان آن‌ها دارای تأثیر می‌باشد. چنان‌که از ملاحظه شأن نزول آیه چنین قیدی برمی‌آید. بنابراین افراد یا نهادهای متکفل اطلاع‌رسانی عمومی مشمول این خطاب‌اند، اما اشخاص و نهادهای غیر مسئول چنین تکلیفی ندارند.

دوم، مقدمه بودن برای انتخاب آگاهانه:

آیه ۱۸ سوره زمر می‌فرماید: (فبشر عبادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ) یعنی به بندگان من بشارت ده، آنانی که سخنان را می‌شنوند و بهترین آنها را پیروی می‌کنند. آنان همان کسانی هستند که خداوند هدایتشان کرده و ایشان همان خردمندان‌اند.

در این آیه بشارت و هدایت الهی ویژه کسانی شمرده شده است که سخنان مختلف را می‌شنوند و بهترین آن‌ها را انتخاب می‌کنند. خداوند ایشان را بر این امر می‌ستاید و بنابراین کسانی که زمینه این امر پسندیده و مقدمه ضروری آن را به قصد تحقق این امر مطلوب فراهم می‌کنند نیز مورد تحسین و ستایش خداوند خواهند بود. بر همین اساس، رسانه‌ها که اخبار و اطلاعات مؤثر در انتخاب و رأی مخاطبان را به ایشان منتقل می‌کنند، از سوی خداوند تحسین شده‌اند. دو مؤید برای این برداشت می‌توان ذکر کرد:

اولاً: تفسیر عامی وجود دارد که بر پایه آن کلمه «قول» در آیه شریفه اختصاص به مطالب عقیدتی و براهین اثبات‌کننده مذهب ندارد، بلکه هر سخن و مطلبی که از سوی گویندگان به منظور پیروی دیگران صادر می‌شود، مشمول این آیه است. مرحوم طبرسی در این باره می‌نویسد:

منظور از «يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» سزاوارترین این سخنان به قبول و عمل است. (طبرسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۸، ص ۲۵۶)

ثانیاً: برخی احادیث منظور از اشخاص مشمول این آیه را کسانی دانسته‌اند که سخنان مختلف را دریافت می‌کنند و بدون کاستن و افزودن و تحریف کردن، در اختیار دیگران قرار می‌دهند؛ از جمله:

عن ابی بصیر قال قلت لابی عبدالله قول الله جل ثناؤه «يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» قال: هو الرجل يسمع الحديث فيحدث به كما سمعه لا يزيد فيه و ينقص منه. (حویزی ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۴۸۲)

علامه حلی در ذیل این آیه می‌گوید: «دلت هذه آلايه بمفهومها على ان من لم يتبع احسن القولين فانه لا يندرج تحت «الذين هداهم الله» وقد اجمع العقلاء كافة على هذا الحكم» (علامه حلی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۷)

سوم - ادله امر به معروف و نهی از منکر

رسانه‌های سالم بهترین ابزار برای امر به معروف و نهی از منکر هستند. اگر تقبیح منکر که اولین مرحله نهی از منکر و وظیفه اصلی رسانه دینی است، به خوبی انجام شود، در غالب موارد از انجام مراحل بعدی نهی از منکر مستغنی می‌شویم.

در آیه ۱۰۴ سوره آل عمران مؤمنان، الزام به اقامه امر به معروف و نهی از منکر شده‌اند. «ولتكن منكم امة يدعون الى الخير و يأمرون بالمعروف». باید از میان شما جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آنها همان رستگارانند.

هم‌چنین در آیه ۱۱۰ سوره آل عمران اقامه این فریضه از ملزومات جامعه برتر شناخته شده است: «کنتم خیر امة أخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر». شما بهترین امتی بودید که به سود انسانها آفریده شده‌اید زیرا امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید.

مواد بسیاری از اساسنامه سازمان صدا و سیما مرتبط با این فرضیه است و از همه صریح‌تر، ماده ۴۰ است که مقرر می‌دارد: «در جهت تحقق رسالت امر به معروف و نهی از منکر در جامعه، صدا و سیما باید روحیه انتقاد سالم و سازنده و انتقادپذیری متواضعانه را در مردم، مسئولین و دست‌اندرکاران ایجاد کند؛ انتقادات مردم از مسئولیت و توقعات آنها از مردم را بازگو نماید.»

اگر در جامعه‌ای جریان آزاد اطلاعات وجود نداشته باشد، قهراً بسیاری از تصمیمات و اقدامات نهادهای عمومی در معرض دید مردم به ویژه

کارشناسان قرار نمی‌گیرد تا زمینه نهي از منكرات و امر به معروفات فراهم آید.

چنانچه شيخ انصاری نیز در بیان اقسام ولایت می‌فرماید: «ومنها ما یكون واجبه وهي ماتوقف الامر بالمعروف والنهي عن المنكر الواجبان عليه، فان ما لم يتم الواجب الا به واجب مع القدره» (انصاری، ص ۸۷) برخی از اقسام ولایت واجب می‌باشند و آن موردی است که امر به معروف و نهي از منكر که واجب هستند متوقف بر آن تولى باشند زیرا آن چیزی که واجبی متوقف بر آن باشد خود آن نیز در صورت قدرت واجب است.

در صدر اسلام، به دلیل کم بودن جمعیت، امر به معروف و نهي از منكر به سهولت انجام می‌گرفت و پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) افرادی را تحت عنوان «عریف» مامور این کار می‌کردند. (احمدی میانجی، ۱۳۸۱، ص ۹۵) امروزه رسانه‌ها می‌توانند و باید این کار را به خوبی و در حجمی بسیار وسیع‌تر عهده‌دار شوند.

چهارم، ضرورت ادای حق:

آگاهی یافتن از اخبار حق شهروندان است. می‌دانیم که در حقوق مورد نظر دو طرف «من علیه الحق» و «من له الحق» وجود دارد و بر طرف اول ادای حق طرف دیگر (من له الحق) واجب است، هر چند این حق، حق الناس محض باشد، از این رو شرعاً بر حاکمان و تمام کسانی که متصدی و متکفل اطلاع‌رسانی هستند و با پذیرش این تعهد، تکلیف عرضه اخبار و اطلاعات را پذیرفته‌اند، واجب است که حق شهروندان را ادا کنند و آنچه را از اطلاعات و اخبار که حق ایشان محسوب می‌شود منتشر نمایند.

وظیفه حکومت در رابطه با اطلاع‌رسانی به نوع حکومت برمی‌گردد. به تعبیر مرحوم نائینی در کتاب مشهور "تنبيه الامه و تنزيه المله": "حکومت بر دو نوع است: "تملیکیه" و "ولایتیه".

الف: حکومت تملیکیه همان حکومت استبدادی است که در آن، افراد

حاکم و ثروتهای کشور را در حکم برده و دارایی شخصی خود می داند. این نوع حکومت را استعبادیه و تسلطیه، اعتسافیه و تحکیمیه هم خوانده‌اند.

ب: حکومت ولایتیه که بر اساس قهر و سلطه و اراده شخصی استوار نیست، بلکه بر اقامه وظایف و مصالح عمومی مربوط به نظم و حفظ کشور مبتنی است و اعمال حاکمیت نیز محدود و مقید به همان وظایف و مصالح است."

بنا بر تصور نخست، حکومت و حاکمان، اربابان و طلبکاران همیشگی مردم هستند که وظیفه ای مبنی بر اطلاع رسانی به مردم و رعایت خواست آنان ندارد و اگر هم اطلاعات یا خدمتی ارائه می دهند، ناشی از لطف و متنی می داند که بر مردم روا داشته‌اند. اما بر اساس تصور دوم اصولاً حاکمان، حاکم هستند تا منافع مردم را تامین کنند و تا موقعی حق حکومت دارند که بر پیمان خود استوار بمانند. از اینرو به مجرد پیمان شکنی برکنار می شوند و حتی اگر تمام وظایف خویش را نیز به درستی انجام دهند، با رای و نظر موکلان باید برکنار شوند و این همه مستلزم آگاهی مردم از اوضاع و اخبار اجتماعی است که در آن زندگی می کنند. (اسماعیلی، ۱۳۸۹، ص ۲۵۰)

نخستین گام برای برقراری ارتباط میان دولت و شهروندان، آگاهی مردم از روند جریان امور و آگاهی از واقعیتهاست؛ یعنی همان چیزی که امروزه از آن به عنوان حق دانستن یاد می کنند؛ طبق آموزه‌های اسلام مردم باید محرم حاکمیت و آگاه از رویدادها باشند و هیچ اخبار و اطلاعاتی از آنان پنهان داشته نشود؛ مگر آنچه تخصصاً یا تخصیصاً خارج است مانند اخبار و اطلاعات امنیتی و طبقه بندی شده که برای مصلحت بالاتر همان مردم و همچنین همه نظامهای عقلایی به اندازه ضرورت از نشر آن جلوگیری می شود؛ این حق، همگانی است و بدون ادای آن تکلیفی به اطاعت و حمایت از حکومت ندارند. (اسماعیلی، ۱۳۸۴، ص ۸۲-۴۹)

حضرت علی علیه السلام در نامه ای به فرماندهان سپاه خویش می فرماید:

"بدانید حق شماست بر من که چیزی را از شما نپوشانم جز راز جنگ - که از پوشاندن آن ناگزیرم"^۱

نکته جالب تر آن که امام علی علیه السلام نه تنها حق آگاهی مردم از اطلاعات عمومی را به رسمیت می شناخت، که مردم را به استفاده از آن تشویق می کرد. این جمله معروف امام علی علیه السلام که "از من بپرسید پیش از آن که مرا نیابید"^۲ تنها تشویق مردم به سؤال در مورد امور علمی و معنوی نبود. زیرا حضرت پس از اشاره به جنگ نهروان و فتنه خوارج، بلافاصله همان مردم را به پرسش در مورد آن حادثه مهم ترغیب کرده و می فرمود: "پس از من بپرسید، پیش از آنکه مرا نیابید."^۳

امر به معروف و نهی از منکر بارزترین نماد حضور در جامعه و احساس مسئولیت نسبت به سرنوشت عمومی است که از نظر اسلام واجب تلقی می شود. اما آیا این حضور و احساس مسئولیت تنها وظیفه عده ای خاص است یا وظیفه ای همگانی؟!

ممکن است گفته شود ظاهر "منکم امه" این است که این امت بعضی از جمعیت مسلمانان را تشکیل می دهد نه همه آنها را و به این ترتیب وظیفه امر به معروف و نهی از منکر جنبه عمومی نخواهد داشت، بلکه وظیفه طایفه خاصی است؛ اگر چه انتخاب و تربیت این جمعیت وظیفه همه مردم است."

مفسران در پاسخ به این شبهه گفته‌اند: "امر به معروف و نهی از منکر دو مرحله دارد؛ یکی مرحله فردی که هر کس موظف است به تنهایی ناظر بر اعمال دیگران باشد، و دیگری مرحله دسته جمعی که امتی موظفند

۱ نامه ۵۰ نهج البلاغه: «... ألا و ان لکم عندی ان لا أحتجز دونکم سرأ الا فی حرب، و لا أطوی دونکم أمرا الا فی حکم... فاذا فعلت ذلک وجبت لله علیکم النعمه و لی علیکم الطاعه...».

۲ خطبه ۱۸۹: «ایها الناس سلونی قبل ان تفقدونی، فلأنا بطرق السماء أعلم منی بطرق الأرض...».

۳. خطبه ۹۳: «أیها الناس! أنا فقأت عین هذه الفتنه، و لم یکن لیجزأ علیها أحد غیری بعد أن ماج غیبهها و اشتد کلبها. فأسالونی قبل أن تفقدونی». "ای مردم! این من بودم که چشم فتنه را درآوردم و در آن زمان که موج تاریکی آن برخاسته و شعله های آن همه جا را فرا گرفته بود، کسی جز من جرات و شهامت این کار را نداشت"

برای پایان دادن به نابسامانیهای اجتماع دست به دست هم بدهند و بایکدیگر تشریک مساعی کنند. قسمت اول وظیفه عموم مردم است و چون جنبه فردی دارد طبعاً شعاع آن محدود به توانایی فرد است. اما قسمت دوم شکل واجب کفایی به خود می گیرد و چون جنبه دسته جمعی دارد، شعاع قدرت آن وسیع و طبعاً از شئون حکومت اسلامی محسوب می شود.

این دو شکل از مبارزه با فساد و دعوت به سوی حق، از شاهکارهای قوانین اسلامی محسوب می شود و مسئله تقسیم کار را در سازمان حکومت اسلامی و لزوم تشکیل یک گروه نظارت بر وضع اجتماعی و سازمانهای حکومت را مشخص می سازد... بنابراین وجود این جمعیت با آن قدرت وسیع، هیچ گونه منافاتی با عمومی بودن وظیفه امر به معروف و نهی از منکر در شعاع فرد و با قدرت محدود ندارد." (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۵ و طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۳، ص ۳۷۳)

گفته شد یکی از مبانی اطلاع رسانی، ضرورت ادای حق آگاهی شهروندان است. اگر این حق به خوبی ادا شود، زمینه برای ادای حق نظارت شهروندان نیز فراهم می شود. زیرا نظارت و نقد عملکردها وقتی ممکن است که مردم در سایه اطلاع رسانی از امور مهم مطلع شده باشند.

از دیدگاه پیامبر اسلام (ص) حقوق و وظایف سیاسی و ارتباطی مردم منحصر به حضور در صحنه و مشارکت در تصمیم گیریها نیست؛ بالاتر آن که در مرحله بعد هم مردم باید با نظارت بر عملکرد مسئولان، در جریان روند اجرای تصمیم ها قرار گرفته و ابراز نظر کنند؛ هر چند نظر آنان نشانگر مخالفت و نقد عملکردها باشد.

گذشته از آن که مشورت، به خودی خود، اختصاصی به قبل از شروع اقدام ندارد و در همه مراحل می تواند ادامه یابد، حاکم وظیفه دارد، خصوصاً در مورد مسائل مهم، مردم را از واقعیتهای خبردار کند. پیامبر اعظم (ص)، آنگاه که معاذ بن جبل را به سوی یمن می فرستاد، در رهنمودی مکتوب به او دستور می دهند که "ای معاذ... در مورد هر



مسئله ای که فکر می‌کنی درباره آن از تو انتقاد خواهند کرد، پیشاپیش دلایل و توجیحات خود را برای مردم بازگو کن تا (مشکلات را متوجه شده و) تو را معذور دارند. " (نهج الفصاحه، ۱۳۸۴، ص ۱۷۴) در نقطه مقابل، مردم نیز موظف هستند که مسئولان جامعه را از واقعیت‌ها مطلع کرده و آنچه را درست تشخیص می‌دهند، صادقانه و دلسوزانه با آنان در میان گذارند. این همان چیزی است که تحت عنوان "نصیحت زمامداران مسلمین" در اسلام شناخته شده است.

بدیهی است اظهار نظر صادقانه و خیر خواهانه ممکن است به صورت ابراز مخالفت با وضع موجود و نقد عملکردهای جاری باشد. این نه تنها مانعی ندارد و حق شهروندی محسوب می‌شود، که حق حاکمان نیز هست و می‌توانند یا باید آن را از مردم مطالبه کنند. مسئولان جامعه اسلامی، خود باید زمینه را برای چنین ارتباطات مردمی فراهم آورند. پیامبر اعظم (ص) برای تحقق این وضعیت دو رهنمود بسیار مهم و موثر به زمامداران و صاحبان قدرت سیاسی ارائه فرموده‌اند؛ نخست آن که مداحان و مجیزگویان را از خود طرد کنند؛ آن هم با این تعبیر که "برچهره ستایشگران خاک پاشید" (نهج الفصاحه، ۱۳۸۴، ص ۱۷۴) ابوذر گفته است: "سلمان و بلال را دیدم که به سوی پیامبر می‌رفتند. چون نزدیک آن حضرت رسیدند، سلمان خود را بر پاهای پیامبر انداخته و می‌بوسید. حضرت او را به سختی از این کار نهی کرد و فرمود: ای سلمان! با من چنان مکن که عجمان با پادشاهان خود انجام می‌دهند. من بنده ای از بندگان خدا هستم، می‌خورم از آنچه بندگان می‌خورند و می‌نشینم همانگونه که بندگان می‌نشینند." (نهج الفصاحه، ۱۳۸۴، ص ۵۸۱) عبدالله بن مسعود از صحابه پیامبر (ص) نیز می‌گوید: مردی به حضور حضرت رسید ولی از عظمت ایشان تحت تاثیر قرار گرفت و نتوانست سخن بگوید. رسول خدا با مهربانی به او فرمود راحت باش! من که پادشاه نیستم. من فرزند زنی هستم که گوشت مانده خشک شده می‌خورد." (نهج الفصاحه، ۱۳۸۴، ص ۵۸۱)

نکته دوم اختصاص وقت برای استماع نقد و نظر آحاد جامعه است. خداوند متعال یکپارچه "گوش" بودن پیامبر را خیر و رحمت نامیده و طعنه زندگان را به عذاب دردناک آخرت تهدید می کند.^۱ از دیدگاه پیامبر اعظم (ص)، آن ملتی که ضعیفانش بدون لکنت زبان حق خود را از قدرتمندان مطالبه نکنند، ملتی بی ارزش و نامقدس است. (نهج الفصاحه، ۱۳۸۴، ص ۱۷۴) حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر چنین توصیه کرده است: "بخشی از وقت خود را به کسی اختصاص ده که به تو نیاز دارند، تا شخصاً به امور آنان رسیدگی کنی. در مجلس عمومی با آنان بنشین و برای خدایی که تو را آفریده است فروتن باش. سربازان و یاران و نگهبانان خود را از آنان دور کن تا سخنگوی آنان بدون نگرانی با تو گفت و گو کند. من از رسول خدا بارها شنیدم که می فرمود: ملتی که حق ناتوان را از قدرتمندان بدون اضطراب نستاند رستگار نخواهد شد."^۲ با توجه به چنین آموزه هایی به صراحت می توان گفت که حق نظارت، نقد و اعتراض علنی به حاکمان در هیچ نظام سیاسی، به اندازه نظام اسلامی وجود ندارد. بالاتر اینکه به گفته شهید مطهری: "از جمله خصوصیات اسلام این است که به پیروانش حس پرخاشگری و مبارزه و طرد و نفی وضع نامطلوب را می دهد. جهاد، امر به معروف و نهی از منکر یعنی چه؟ یعنی اگر وضع حاکم نامطلوب و غیر انسانی بود، تو نباید تسلیم بشوی و تمکین کنی. تو باید حداکثر کوشش خودت را برای طرد و نفی این وضع و برقراری وضع مطلوب و ایده آل به کار ببری." (مطهری، بی تا، ص ۵۵)

۱. سوره توبه آیه ۶۱: وَمَنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أذن قُلْ أذن خَيْر لَكُمْ يَوْمَن بَاللَّهِ وَ يَوْمَن لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ رَحْمَةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ الَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ.

۲. نامه ۵۱ نهج البلاغه: وَاجْعَلْ لِدَوَى الْحَاجَاتِ مِنْكَ قِسْمًا تَفْرَغُ لَهُمْ فِيهِ شَخْصٌ وَ تَجْلِسُ لَهُمْ مَجْلِسًا عَامًا فَتَتَوَاضَعُ فِيهِ الذِّي خَلَقَكَ وَ تَقْعَدُ عَنْهُمْ جُنْدٌ وَ أَعْوَانُكَ مِنْ أَحْرَاسِكَ وَ شَرْطُكَ حَتَّى يَكَلِمَكَ مَسْئَلَهُمْ غَيْرَ مَتَعْتِعٍ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ فِي غَيْرِ مَوْطِنٍ: لَنْ تَقْدَسَ أُمَّهُ لَا يُؤْخَذُ لِلضَّعِيفِ فِيهَا حَقُّهُ مِنْ الْقَوَى غَيْرَ مَتَعْتِعٍ.

طبق یکی از روایاتی که مرحوم شیخ حر عاملی تحت عنوان "باب وجوب انکار العالمه علی الخاصه و تغییر منکر اذا عملوا به" گردآوری کرده است، حضرت علی علیه السلام فرموده‌اند: "اگر خواص (یعنی نخبگان و صاحبان موقعیت سیاسی و اجتماعی) کار نادرستی را پنهانی انجام دهند، خداوند عوام (عموم شهروندان و افراد عادی) را به دلیل کار نادرست آنان عذاب نمی‌کند، اما اگر آن منکر علنی انجام شد و مردم به رغم آگاهی، سکوت کرده و از آن جلوگیری نکردند، هر دو گروه سزاوار مجازات الهی هستند." آن حضرت سپس به این گفتار از رسول خدا استناد فرمود که: "گناه پنهانی تنها به کننده‌اش زیان می‌رساند، اما اگر آشکار شد و بر آن نشوریدند، به همگان ضرر خواهد رساند." (وسایل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۰۷)

۲- محدودیت‌های اطلاع‌رسانی: الف - حریم خصوصی افراد

در بسیاری از دعاوی که علیه رسانه‌ها جهت نقض حریم خصوصی مطرح می‌شود، خواهان به حق حریم خصوصی خود استناد می‌کند و خواننده (رسانه) به حق آزادی اطلاع‌رسانی. این مساله وقتی جدی تر می‌شود که در می‌یابیم رسانه‌های نوین، قدرت بی‌سابقه‌ای برای درهم نوردیدن حریم خصوصی افراد کسب کرده‌اند.

حریم خصوصی قلمروی از زندگی هر فرد است که انتظار معقول دارد دیگران بدون رضایت او وارد آن قلمرو نشوند یا به اطلاعات آن قلمرو دسترسی نداشته باشند. مطابق بند ۱ ماده ۲ طرح حمایت از حریم خصوصی، حریم خصوصی «قلمروی از زندگی هر شخص است که آن شخص عرفاً یا با اعلان قبلی در چارچوب قانون، انتظار دارد تا دیگران بدون رضایت وی به آن وارد نشوند یا برآن نگاه یا نظارت نکنند و یا به اطلاعات راجع به آن دسترسی نداشته یا در آن قلمرو وی را مورد تعرض قرار ندهند.»

اصطلاح حریم خصوصی (الحیاه الخاصه یا خصوصیه) در آیات و

روایات بکار نرفته است. اما روایات متعددی از پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار وجود دارد که می‌توان با تبیین آنها دیدگاه اسلام در مورد حریم خصوصی را بیان کرد. در مقوله حریم خصوصی، آیات ۱۲ سوره حجرات و ۱۹ سوره نور و روایات بسیاری وجود دارند. (ر.ک: جعفری، ۱۳۸۹) در اینجا به عنوان نمونه به چند آیه و روایت اشاره می‌کنیم:

خداوند متعال در آیه ۱۲ سوره حجرات فرموده است: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَٰكِن تَجَسَّسُوا وَلَٰكِن يَعْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ.**

ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیاری گمانها درباره دیگران پرهیزید، براستی که برخی از گمانها گناه است. درباره همدیگر جاسوسی و کنجکاوی نکنید، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟! البته که از آن بدتان می‌آید.

البته این آیه، هر سه مورد ممنوعیت تجسس، ممنوعیت سوء ظن و ممنوعیت غیبت را شامل می‌شود.

اولاً، طبق این آیه شریفه خداوند متعال از هر گونه «بدگمانی» درباره مؤمنان نهی فرموده است.

ثانیاً، خداوند مردم را از هر گونه تجسس و کنجکاوی درباره امور پنهانی و زندگانی شخصی افراد نهی فرموده است.

ثالثاً، در صورت آگاهی پیدا کردن به اسرار، عیوب و مسائل شخصی دیگران [از هر طریقی که باشد] از بازگو و پخش آن در میان مردم نهی فرموده است. به گمان ما از آیه شریفه می‌توان چنین برداشت نمود که «زندگی» هر انسانی بسته به آبرو، حیثیت و شخصیت اجتماعی اوست. بنابراین، از بین بردن آبرو و آلوده ساختن «شخصیت اجتماعی» و هتک حرمت هر فردی به مثابه از بین بردن زندگی و حیات اوست. یعنی سلب آبروی یک نفر بوسیله شایعات و یا نقل اسرار و عیوب او مساوی با اعدام شخصیت اجتماعی اوست.

شایسته یادآوری است با توجه به اینکه متعلق این آیه شریفه حذف شده، یعنی مصداق خاصی برای ظن و «مورد تجسس» ذکر نگردیده، لذا در زمینه تحریم خبرجویی و کنجکاوی (تجسس) نسبت به دیگران و پخش کردن اسرار آنان اطلاق دارد. چون متعلق آن حذف شده ما می‌فهمیم که درباره هیچ چیزی نمی‌توان تجسس کرد، مگر اینکه دلیل شرعی خاص برای موارد خاص وارد شده باشد. در مورد افشاء اسرار و عیوب دیگران نیز مطلب از همین قرار است.

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «إياكم والظن فإن الظن أكذب الحديث، ولا تجسسوا ولا تحسسوا ولا تناجشوا ولا تحاسدوا ولا تدابروا ولا تباغضوا وكونوا عباد الله إخواناً». (بیهقی، بی تا، ج ۸، ص ۳۳۳) از گمان پرهیزید، چرا که گمان، سخن را در گرداب دروغ افکند؛ از کنجکاوی و پاییدن یکدیگر پرهیزید؛ از حال کسی تفتیش مکنید؛ از یکدیگر تعریف و تمجید مکنید؛ بدخواه یکدیگر نباشید؛ کینه یکدیگر را به دل مگیرید؛ به هم پشت نکنید و با بندگان خدا برادروار زندگی کنید.

و فرمودند: «إني لم أومر أن انقب عن قلوب الناس ولا أشتق بطونهم» (ری شهری، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۹۱) من مأمور نگشتمه‌ام دل‌های مردم را بشکافم و از افکار درونی آنها باخبر شوم.

و فرمودند: «و من مشی فی عیب اخیه و کشف عورته کان اول خطوه خطأها و وضعها فی جهنم و کشف عورته علی رؤوس خلایق». (خرازی، ۱۳۸۰، ص ۵) هر کسی در راه جستجوی عیوب و کشف لغزش‌های برادرش گام نهد، پای در آتش دوزخ گذارده است و خداوند عیوب او را بر همگان آشکار خواهد کرد.

و فرمودند: «من رأى عورة فسترها كمن أحيا مؤووداً». (سجستانی، ۱۴۱۰هـ، ج ۲، ص ۴۵۴) هر کس عیب دیگری را بپوشاند همانند کسی است که زنده به گوری را نجات داده باشد.

امام علی (ع) در نامه خویش به مالک‌اشتر هنگامی که وی را به سمت

فرماندار مصر انتخاب کردند تجسس حاکم در احوال مردم را منع کرده، مالک را به پوشاندن عیوب مردم و دوری جستن از افرادی که عیوب دیگران را آشکار می‌سازند، توصیه فرموده است. (نهج البلاغه، ۱۴۱۷ق، نامه ۵۳، ص ۵۶۸)

«وَلَيْكُنْ أَبَعْدَ رَعِيَّتِكَ مِنْكَ وَأَشْنَأَهُمْ عِنْدَكَ، أَطْلُبُهُمْ لِمَعَائِبِ النَّاسِ. فَإِنَّ فِي النَّاسِ عِيُوبًا؛ الْوَالِي أَحَقُّ مِنْ سِتْرِهَا؛ فَلَا تَكْشِفَنَّ عَمَّا غَابَ عَنْكَ مِنْهَا؛ فَإِنَّمَا عَلَيْكَ تَطْهِيرُ مَا ظَهَرَ لَكَ وَاللَّهُ لَكُمْ عَلَى مَا غَابَ عَنْكَ؛ فَاسْتِرِ الْعَوْرَةَ مَا اسْتَطَعْتَ يَسْتِرِ اللَّهُ مِنْكَ مَا تَحِبُّ سِتْرَهُ مِنْ رَعِيَّتِكَ... وَتَغَابَ عَنِ كُلِّ مَا لَا يَضِحُ لَكَ وَلَا تَعْجَلَنَّ إِلَى تَصَدِيقِ سَاحٍ فَإِنَّ السَّاعِيَ غَاشٌّ وَإِنْ تَشَبَّهَ بِالنَّاصِحِينَ».

باید دورترین مردم از تو و مبعوض‌ترین آنان نزد تو کسی باشد که پیوسته در پی عیوب مردمان است؛ چه آنکه در مردم لغزشهایی وجود دارد که حاکم از هر کس دیگر به پوشاندن آنها سزاوارتر است. پس در جستجوی امور پنهان مباش، وظیفه حاکم تو پاک کردن ظواهر است و این پروردگار است که پروردگار بر هر آنچه از تو نهان است حکم می‌کند. پس تا آنجا که می‌توانی عیب را بپوشان تا خداوند نیز آنچه را دوست داری از مردم مخفی بماند، بپوشاند... و از آنچه در نظرت روشن نیست کناره‌گیر. در تصدیق سخن چین شتاب مکن، زیرا سخن چین گرچه در لباس اندرز دهنده ظاهر می‌شود، خیانتکار است.

در جای دیگر حضرت علی علیه السلام فرمود: من بحث عن اسرار غیره أظهر الله أسراره. «هر کس که درباره اسرار و امور پنهانی دیگران جستجو و گفتگو کند خداوند نیز اسرار او را برای دیگران فاش خواهد فرمود» (آمدی، ۱۳۸۱، ص ۳۷۱)

نظریات حقوقدانان در خصوص آزادی اطلاع‌رسانی: در خصوص اصل آزادی اطلاع‌رسانی دو دیدگاه در غرب مطرح است: نظریه آزادی مطلق و نظریه آزادی محدود. مطابق نظریه اول، ایجاد هرگونه محدودیت در مقابل جریان اطلاعات، تضييع حقوق طبیعی بشر است ولی نظریه دوم، این آزادی را نه به صورت مطلق، بلکه تابع محدودیت‌های متعدد، تجویز

می‌کند و به عبارتی معتقد است حریم خصوصی خروج تخصیصی از آزادی اطلاعات دارد. در ادامه به بررسی و نقد آرای طرفداران دیدگاه اول خواهیم پرداخت و نهایتاً نظر مختار را ارائه می‌کنیم.

دیدگاه اول - نظریه آزادی مطلق اطلاع‌رسانی:

مهم‌ترین دلیلی که طرفداران این دیدگاه به آن استناد می‌کنند، ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر - مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ - می‌باشد. این ماده، چنین مقرر می‌دارد:

«هر کس از حق آزادی، عقیده و بیان برخوردار است. این حق شامل آزادی حفظ عقاید، مصونیت از تعرض و جست‌وجو، کسب و اظهار اطلاعات و اندیشه‌ها از طریق هر رسانه‌ای و بدون توجه به مرزها می‌باشد.»^۱

این ماده، آزادی مطلق اطلاعات را مقرر می‌کند. عبارات «هرکس»، «اظهار اطلاعات»، «از طریق رسانه»، «بدون توجه به مرزها» به خوبی بیانگر اطلاق این ماده هستند.

اول اینکه - این ماده با ذکر کلمه «هرکس» (Every one) هر گونه محدودیتی را در مورد منشأ اطلاعات ممنوع ساخته است.

دوم اینکه - با به کاربرد واژه «اطلاعات و اندیشه‌ها» (Information and ideas) به صورت مطلق، هیچ محدودیتی در مورد دلخواهی اطلاعات ارسالی قایل نشده است.

سوم اینکه - از عبارات «از طریق هر رسانه» (through any media) و «بدون توجه به مرزها» (regardless of frontiers) استفاده می‌شود که نه تنها شیوه انتقال اطلاعات اهمیتی ندارد، بلکه هیچ قلمرو جغرافیایی و سیاسی نیز نمی‌تواند آن را محدود سازد. بنابراین در زمینه «اطلاع‌رسانی» ماده

1. Article 19: "Everyone has the right to freedom of opinion and expression; this right includes freedom to hold opinions without interference and to seek, receive and impart information and ideas through any media and regardless of frontiers."

مزبور، خواهان برقراری آزادی مطلق در مورد چهار عنصر است: «منبع اطلاعات»، «شیوه انتقال اطلاعات» (اعم از روش و وسیله انتقال اطلاعات)، «محتوای اطلاعات»، «قلمرو پخش اطلاعات».

هم چنین گفته می شود: جریان آزاد اطلاعات، از حقوق فردی اساسی و از ضروریات حقوق بشر است و ایجاد مانع در این خصوص در تعارض با میثاق حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) خواهد بود.^۱

آزادی کامل رسانه‌ها موجب آگاهی کامل شهروندان، نظارت بر فعالیت‌های دولت، انعکاس افکار عمومی، انتقادهای و توسعه اقتصادی و اجتماعی خواهد بود. این نظریه امروزه به نظریه دیگری تحت عنوان "مرگ حریم خصوصی اطلاعات" انجامیده است.^۲ که مطابق آن در عصر فناوری اطلاعات اساساً حریم خصوصی اطلاعات به مرور از بین رفته و بنابراین تقابلی نیز میان آن و آزادی اطلاعات وجود ندارد.

مهمترین نکته در «بررسی ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر» که عمده دلیل قائلین این نظریه است، «ارزش حقوقی اعلامیه جهانی حقوق بشر» است. اینکه آیا اعلامیه جهانی حقوق بشر برای امضا کنندگان آن، تنها در حد یک توصیه و پیشنهاد ارزش دارد و یا آنها را متعهد به انجام مفاد اعلامیه می‌سازد؟ در صورت اخیر آیا این تعهد، یک تعهد به نتیجه است و یا یک تعهد به وسیله؟ نظر غالب این است که طبق مواد ۱۰ و ۱۱ منشور ملل متحد و همچنین مواد دیگر مربوط به وظایف و اختیارات مجمع عمومی - ذیل فصل چهارم منشور - این اعلامیه لازم‌الاجرا نیست و تنها، ارزش یک توصیه را دارد.

1 See : space law Basic legal Documents Edited by: Dr . karl heins bock Stiegel and dr, marietta benko institute of air and space law at cologne university – volume one – b.1.4.3.

2. See: Privacy Countdown. Contributors: John Byrne - author. Journal Title: ABA Banking Journal. Volume: 93. Issue: 5. Publication Year: 2001. Page Number: 59. COPYRIGHT 2001 Simmons-Boardman Publishing Corporation; Is Privacy Now Possible? A Brief History of an Obsession. Contributors: Anita L. Allen - author. Journal Title: Social Research. Volume: 68. Issue: 1. Publication Year: 2001; The Death of Privacy?. Contributors: A. Michael Froomkin - author. Journal Title: Stanford Law Review. Volume: 52. Issue: 5. Publication Year: 2000;

دیدگاه دوم - خروج تخصیصی حریم خصوصی از آزادی اطلاع‌رسانی

انتقادات وارد بر نظریه آزادی مطلق اطلاعات که نظریه رایج در آمریکا است باعث نظریه آزادی نسبی اطلاع‌رسانی مبتنی بر خروج حکمی و تخصیصی حریم خصوصی مطرح شود. این نظریه در اروپا بر نظریه آزادی مطلق چیره شده است. قانون آزادی اطلاعات ایران نیز حریم خصوصی را جزء استثنائات دسترسی به اطلاعات دانسته است.

ماده ۱۴ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام در مرداد ۱۳۸۸ ظاهراً این دیدگاه را پذیرفته زیرا در بند دوم فصل چهارم قانون که فصل "استثنائات دسترسی به اطلاعات" است، می‌گوید: «چنانچه اطلاعات درخواست شده مربوط به حریم خصوصی اشخاص باشد و یا در زمره اطلاعاتی باشد که با نقض احکام مربوط به حریم خصوصی تحصیل شده است، درخواست دسترسی باید رد شود.» همچنین ماده ۱۵ همین قانون مقرر می‌دارد: «موسسات مشمول این قانون در صورتی که پذیرش درخواست متقاضی متضمن افشای غیرقانونی اطلاعات شخصی درباره یک شخص حقیقی ثابت باشد باید از در اختیار قرار دادن اطلاعات درخواست شده خودداری کنند، مگر آنکه: الف- شخص ثالث به نحو صریح و مکتوب به افشای اطلاعات راجع به خود رضایت داده باشد.

ب- شخص متقاضی، ولی یا قیم یا وکیل شخص ثالث، در حدود اختیارات خود باشد.

ج- متقاضی یکی از موسسات عمومی باشد و اطلاعات درخواست شده در چارچوب قانون مستقیماً به وظایف آن به عنوان یک موسسه عمومی مرتبط باشد.»

دیدگاه سوم در رابطه آزادی اطلاعات و حریم خصوصی: خروج تخصیصی

به رغم اینکه نظریه دوم (خروج تخصیصی حریم خصوصی از آزادی

اطلاعات) ایرادات کمتری نسبت به نظریه آزادی مطلق داشت، این نظریه نیز قابل قبول نیست. زیرا در خروج تخصیصی لازم است مستثنا و مستثمانه موضوعاً یکی باشند و صرفاً حکم آنها متفاوت باشد، در حالیکه موضوع آزادی اطلاعات، مسائل شخصی و حریم خصوصی نیست، بلکه مسائل عمومی است. بنابراین باید گفت حریم خصوصی تخصصاً و موضوعاً از آزادی اطلاعات خارج است.

با وجود استقلال موضوعی حریم خصوصی و آزادی اطلاعات، ممکن است قانونگذار در موارد استثنائی بنابر مصالح اهم مانند «امنیت ملی» در موضوعاتی که اساساً خارج از محدوده آزادی اطلاعات و مربوط به حریم خصوصی است، تصرف کند و حکم آزادی بیان را بر آن بار کند. این کار با پذیرش تعبدی سعه و ضیق موضوع از باب حکومت است، نظیر آنچه در «لا شک لکثیرالشک» و «الصلاه طواف» گفته می‌شود. بنابراین چنین مواردی، نافی خروج تخصصی حریم خصوصی از آزادی اطلاعات نیست و نباید این موارد را نقض نظریه مختار تلقی کرد.

بر مبنای خروج تخصصی (نظریه مختار)، در موارد شک در موضوع مورد مشکوک را نمی‌توان با اجرای اصل داخل در یکی از موضوعات قرار داد. البته چون شک، به تکلیف برمی‌گردد، نهایتاً با اجرای اصله البرائه آزادی اطلاعات بر حریم خصوصی غلبه می‌کند. بنابر مبنای خروج تخصصی حریم خصوصی از آزادی اطلاع رسانی، به نظر می‌رسد عمده شبهات در این خصوص، از نوع شبهات مفهومیه مردد بین اقل و اکثر با مخصص منفصل باشد. زیرا دو حکم «رسانه‌ها حق هر گونه اطلاع رسانی را دارند» و «نقض حریم خصوصی افراد ممنوع است» به طور مستقل و در دو مقررات مجزا یا در یک قانون ولی در دو ماده مستقل آمده است و در مفهوم حریم خصوصی اختلافات اقل و اکثری است. بنابراین نسبت به اکثر، عام بر حجیت خود باقی است و اجمال آن به عام سرایت نخواهد کرد.

هم چنین احتمال وقوع شبهه مصداقیه مخصص لبی در بحث حریم خصوصی قابل توجه است. زیرا ممکن است ضرورت، جواز نقض حریم خصوصی را ایجاب کند. (خروج به دلایل غیر لفظی مثل حکم عقل، اجماع، سیره، ضرورت و امثال آن، خروج با مخصص لبی است.) جواز تمسک به عام در این مورد، اختلافی است و به نظر اصح، حکم مخصص لبی و لفظی یکسان است و تفصیل ذکرشده توسط اصولیون در مخصص لبی به شک در اصل تخصیص رجوع می‌کند، نه شک در مصداق مخصص.

نکته دید در رابطه اطلاع‌رسانی و حریم خصوصی، اطلاع‌رسانی در خصوص مقامات عمومی و دولتی است. مقتضای فعالیت مقامات عمومی و رسمی به گونه‌ای است که باید نظارت‌های گوناگون، از جمله نظارت‌های مردمی بر اعمال این اشخاص وجود داشته باشد، گاهی به سبب این مصلحت برتر، حریم خصوصی اطلاعات این اشخاص در نظر گرفته نمی‌شود و اطلاعات آنها به آگاهی عموم می‌رسد یا حتی مورد بازرسی نهادهای عمومی قرار می‌گیرد. از جمله اطلاعات راجع به دارایی اشخاص که اصولاً جزو حریم خصوصی اطلاعات آنها به شمار می‌رود، در مورد برخی مقامات عالی‌رتبه، به منظور جلوگیری از سوء استفاده‌های احتمالی، باید مورد بررسی قرار گیرد. (اصل ۱۴۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران).

نقش شهرت در حریم خصوصی اطلاعات در پرونده «ویلیام سی دیس»^۱ و نشریه «نیویورکر»^۲ دیده می‌شود. در سال ۱۹۱۰ در ایالات متحده، ویلیام سی دیس که یک مقام عمومی بود، بعد از چند سال از مقام خود کناره‌گیری کرد، یک گزارشگر نشریه نیویورکر، فعالیت‌های سی دیس را در سال ۱۹۳۷ مورد بررسی قرار داد و سپس مقاله‌ای تفصیلی

1. William Sidis
2. The New Yorker

دربارهٔ فعالیت‌های فعلی وی منتشر نمود. وی به عنوان تجاوز به حریم خصوصی اطلاعات از ناشر مذکور شکایت کرد. دادگاه استیناف اعلام کرد که زندگی سی دیس هنوز دارای جنبهٔ عمومی است و از این رو روزنامهٔ مذکور می‌توانسته چنین مقاله‌ای را بنویسد. روزنامه نگاران حق دارند تا هر چیزی را که به طور موجه و مستدل برای خوانندگانشان نفع داشته باشد، منتشر نمایند.

با این حال، گزارش کلی نهمین کنگرهٔ بین‌المللی حقوق تطبیقی دربارهٔ «خسارات ناشی از فعالیت رسانه‌های همگانی» حاکی از آن است که مقامات عمومی نیز از حریم خصوصی اطلاعات بهره‌مندند (Rapports Generaux au Ix Congres International, p.313) و نمی‌توان برای زندگی خصوصی ایشان هیچ حریمی را در نظر نگرفت، در عین حال که ورود این افراد به عرصهٔ مسائل عمومی معمولاً با فرض پذیرش حیطة ضیق تری از حریم خصوصی اطلاعات برای خود و حیطة وسیع تری برای دخالت دیگران در این بخش از زندگی خود همراه می‌باشد. در این زمینه برخی این فرمول را پیشنهاد کرده‌اند که «زندگی خصوصی آنگاه که زندگی عمومی شروع می‌شود، متوقف می‌گردد»^۱

هرچند برخی این فرمول را در حل این مشکل کافی نمی‌دانند، (Rapports Generaux au Ix Congres International, p.313) در مجموع باید گفت که این افراد نیز دارای حریم خصوصی اطلاعات هستند مگر نسبت به حوادثی که با زندگی عمومی آنان برخورد می‌نمایند. مثلاً افزایش دارایی‌های یک شخص داخل در قلمرو حریم خصوصی اطلاعات اوست که در صورت عدم رضایت وی نمی‌توان آن را منتشر ساخت. اما هرگاه دارایی‌های این افراد پس از تصدی منصب مذکور به نحو مشکوکی افزایش یافته باشد، بررسی آن، در رسانه‌ها، گرچه در بادی امر نقض حریم خصوصی اطلاعات ایشان تلقی می‌شود، اما با توجه به مصلحتی برتر

1. La vie privee s arête la ou commence la vie publique

و نیز به دلیل آنکه این مسأله خصوصی با مسائل عمومی تلاقی پیدا می‌نماید، بلامانع می‌باشد. (گروه نویسندگان، ۱۳۸۱، ص ۱۷۹) همچنین انتشار برخی زوایای زندگی خصوصی افراد آنگاه که آنان خود را در معرض رقابت و انتخابی عمومی قرار می‌دهند، امری ناموجه به شمار نمی‌آید.

در فقه امامیه نقض حریم خصوصی اطلاعات مقامات (مثلاً در قالب غیبت) ممنوع می‌باشد و صرف اینکه زیان‌دیده جزء مقامات بوده مجوز نقض حریم خصوصی اطلاعات نمی‌باشد. البته استثنائات غیبت مانند نصح مستشیر^۱ در مورد مقامات بیشتر مصداق پیدا کند.

در آیین نامه "سیاست‌ها و ضوابط تولید، تأمین و پخش" صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران حفظ حریم خصوصی اطلاعات برای برنامه سازان الزامی شده است که به شرح ذیل است:

۲-۱-۲-۱ حفظ حریم خصوصی

۱-۲-۲-۱ ضبط صدا و تصویر از اماکن خصوصی، در صورتیکه معرف مشخصات و رفتار اشخاص باشد بدون کسب مجوز از صاحب آن ممنوع می‌باشد.

۱-۲-۲-۲ ضبط و پخش تصویر و صدا و گزارش از اماکن عمومی که تصویربرداری از آنها ممنوع اعلام شده صرفاً پس از کسب مجوز لازم بلامانع است.

۱-۲-۲-۳ ضبط و پخش صدا، تصویر و اخبار مربوط به افراد کمتر از ۱۶ سال و مجانین و فوت‌شدگان بدون کسب اجازه از ولی یا قیم یا وارث قانونی آنان ممنوع است.

۱-۲-۲-۴ استفاده از تصاویر و صدای موجود در آرشیو نیز مشمول سیاستها و ضوابط حریم خصوصی می‌باشد.

۱ نصح مستشیر یعنی خیرخواهی برای مشورت گیرنده. مثلاً اگر فردی از شما در مورد خواستگار دخترش اطلاعاتی بخواهد و با شما مشورت کند، دادن اطلاعاتی که ممکن است در تصمیم ایشان اثرگذار باشد جایز (و در برخی موارد واجب) است و مشمول ممنوعیت غیبت نمی‌شود.

- ۵-۲-۲-۱ در برنامه‌های رادیو و تلویزیونی اعلام جزئیات زندگی اشخاص بدون کسب رضایت آنها ممنوع می‌باشد.
- ۶-۲-۲-۱ از افرادی که موضوع یک برنامه قرار می‌گیرند، از نمایندگان و یا بازماندگان آنها باید قبل از پخش برنامه کسب اجازه شود.
- ۷-۲-۲-۱ ضبط صدا، تصویر و یا گزارش به صورت مخفیانه، جز در مواردی که مجوزهای لازم کسب شده باشد ممنوع است.
- ۸-۲-۲-۱ افشای هویت، تصویر، محل سکونت و محل کار کودکان و زنانی که قربانی سوء استفاده یا جرائم جنسی شده‌اند ممنوع می‌باشد.
- ۹-۲-۲-۱ افشای هویت منابعی که مشروط به عدم افشای مشخصات خود حاضر به مصاحبه یا پاسخگویی شده‌اند، بدون رضایت صریح آنان ممنوع است.
- ۱۰-۲-۲-۱ نمایش اشخاص در وضعیت غیرعادی و نامناسب ممنوع است.

۱۱-۲-۲-۱ استفاده از نام، تصویر و صدای افراد برای مقاصد تبلیغاتی فرهنگی و اقتصادی بدون رضایت آنان ممنوع می‌باشد.

ب - محدودیت اطلاع رسانی به جهت اشاعه فحشا

نقل پاره‌ای از اخبار منجر به انتشار و اشاعه مطالبی می‌گردد که خلاف عفت و اخلاق عمومی است و موجب زیر سوال رفتن هنجارها و ارزش‌های اخلاقی می‌شود. بنابراین انتشار اینگونه اخبار ممنوع تلقی می‌شود، در بررسی این عنوان که یکی از تکالیف مبدء خبر است، بیش از هر چیز شناخت مفهوم اشاعه فحشاء ضرورت دارد.

بافرض ممنوعیت اشاعه فحشا، سوالی که مطرح می‌شود این است که آیا چاپ و انتشار عکس‌ها و مطالب قبیح و ضد اخلاقی و نیز نمایش دادن فیلم‌ها و نمایشنامه‌های خلاف عفت و اخلاق عمومی، اگر چه به منظور نشان دادن نتیجه سوء و نکبت‌بار این اعمال و در راستای بیدار ساختن جامعه صورت گیرد نیز ممنوع است یا خیر؟ از یک سوء رسانه‌ها

می‌خواهند محدودیتی در انتشار اخبار نداشته باشند و حتی در مواردی فایده‌هایی همچون توجه دادن نسل جوان، ایمن نبودن شخص مرتکب فحشا و بازدارندگی را بر آن مترتب می‌دانند. و از سوی دیگر ادله حرمت اشاعه فحشاء بصورت مطلق وارد شده است. لازم است مشخص شود، تقابل فواید اطلاع‌رسانی منکرات و اطلاق ادله ناهیه از اشاعه فحشا به چه صورت باید حل شود. (تلخایی، ۱۳۸۹، ص ۸۹)

قرآن مجید در آیه ۱۹ سوره نور صراحتاً اشاعه فحشاء را ناروا دانسته و به کسانی که به این کار علاقه دارند وعده عذاب داده است. در این آیه می‌خوانیم: «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» آنان که دوست می‌دارند که در میان اهل ایمان کار منکری اشاعه و شهرت یابد آنها را در دنیا و آخرت عذابی دردناک خواهد بود و خدا فتنه‌گری و دروغشان را می‌داند.

محقق مامقانی در این باره می‌نویسد: احتمال می‌رود منظور از فاحشه در این آیه افعال قبیح و شنیع باشد. بنابراین، آیه آن دسته از نامسلمانان را مذمت می‌کند که شیوع افعال قبیح و رواج آنها در بین مسلمین را دوست دارند تا بدین سبب اعتبار مسلمانان ساقط شود و دین اسلام از درجه عزت و رفعت فرود آید و مورد رغبت دیگر ملل قرار نگیرد و محتمل است که منظور از فاحشه، اقوالی باشد که بر قباحت و افتضاح کسی دلالت می‌کند که به این اقوال متصف گردد. (مامقانی، ص ۱۰۹)

نویسنده تفسیر کبیر، منظور آیه را عام و شامل هر اشاعه فحشاء می‌داند و می‌گوید: اگر چه آیه در مورد قذف عایشه وارد شده اما ملاک عمومیت وارد است نه خصوصیت مورد (ملاک عمومیت لفظ آیه است نه خاص بودن سبب نزول آن) بنابراین باید آیه را به طور عام تفسیر کرد. (فخررازی، ج ۲۳، ص ۱۸۳)

در روایات نقل شده است که مجرد آشکار کردن بدی مؤمن، داخل در آیه ۱۹ سوره نور است:

عن محمد بن الفضیل عن ابی الحسن موسی بن جعفر علیهما السلام

قال: قلت له: جعلت فداك الرجل من اخواني بلغني عنه الشيء الذي اكرهه فاساله عنه فينكر و ذلك وقد اخبرني قوم ثقات؟

فقال: يا محمد كذب سمعك و بصرك عن اخيك و ان شهد عندك خمسون قسامه انه قال قولاً وقال لك، لم اقله فصدقه وكذبهم ولا تديعن عليه شيئاً تشينه به وتهدم به مروءته فتكون من الذين قال الله عزوجل: «إِنَّ الَّذِينَ يَحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» (تلخابی، ۱۳۸۹، ص ۹۵)

مبنای حقوقی اشاعه فحشاء: در ماده ۲۸ قانون مطبوعات چنین آمده است: «انتشار عکسها و تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی ممنوع و موجب تعزیر شرعی است و اصرار بر آن موجب تشدید تعزیر و لغو پروانه خواهد بود». طبق این ماده، اگر مدیر روزنامه‌ای به انتشار عکسها و مطالب خلاف عفت عمومی اقدام کند، به مجازات تعزیری محکوم خواهد شد، ولی هرگاه این مدیر به انتشار عکسها و مطالب خلافت عفت عمومی اصرار داشته باشد علاوه بر لغو پروانه انتشار، مجازات تعزیری شدیدتری در مورد او اعمال می‌شود. قانون مجازات اسلامی در بند ۱ و ۳ ماده ۶۴۰ انتشار عکسها و مطالب خلاف عفت و اخلاق عمومی را جرم دانسته و مفاد ماده و دو بند ذکر شده به شرح ذیل است:

ماده ۶۴۰: «اشخاص ذیل به حبس از سه ماه تا یک سال و جزای نقدی از یک میلیون پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال و تا هتفاد و چهار ضربه شلاق یا به یک یا دو مجازات مذکور محکوم خواهند شد:

بند ۱: هر کس که نوشته یا طرح گراور، نقاشی تصاویر، مطبوعات اعلانات، علایم، فیلم، نوار، سینما و یا به طور کلی هر چیز که عفت و اخلاق عمومی را جریحه‌دار نماید، برای تجارت یا توزیع به نمایش و معرض انظار عمومی گذارد، یا بسازد یا برای تجارت و توزیع نگاهدارد.

بند ۲: هر کس اشیای فوق را به هر نحوی از انحاء منتشر نماید یا آنها را به معرض انظار عمومی بگذارد.

منع اشاعه فحشاء تا حد زیادی به آثار اجتماعی هتک ستر توجه دارد اما وجوب پوشاندن عیبه‌ها و لغزشهای خود از دیگران و به عبارت دیگر وجوب ستر عورت (عورت بمعنای اعم کلمه) امری است که امروزه در بحث از حریم خصوصی به عنوان یکی از حقوق بشر که غیرقابل سلب و اعراض است، یاد می‌شود. امری که جدا از آثار اجتماعی هتک ستر در صدد دفاع از کرامت انسان و مانع از آن است که انسان خود علیه کرامت خویش اقدام کند. (تلخابی، ۱۳۸۹، ص ۹۷)

ج - محدودیت اطلاع‌رسانی به جهت مصلحت عمومی

اعمال محدودیت بر فعالیت رسانه‌ای و اطلاع‌رسانی اگرچه امری خلاف اصل است اما عندالاقضاء اعمال آن ناگزیر می‌شود و بر مبنای دو اصل مراعات دینی و مصلحت عمومی و در مواردی از جمله حفظ نظام، اقتضای عدالت اجتماعی، امنیت عمومی، پذیرفته شده و اعمال آن به ولی امر سپرده می‌شود که از مجرای کارشناسان و خبرگان فن و در چارچوب تشخیص مصالح اقوی و با رعایت اعمال حداقل محدودیت‌ها صورت می‌گیرد. (جاور، ۱۳۸۹ ص ۵۱)

زمانی که از اصالت آزادی در تحصیل اطلاعات و نشر آن سخن می‌گوئیم، محدودیت‌هایی که متوجه آن می‌شود خلاف اصل و استثناء محسوب می‌شود و علی‌الاصول باید با بیان صریح و لسان تضییق، بتواند دامنه اصول یاد شده را محدود سازد و در موارد تردید، اصل در مقام شک جاری خواهد بود. بنابراین محدودیت‌هایی که نتیجتاً به تخصیص اصل منجر می‌شود نمی‌تواند به گونه‌ای باشد که به تعطیلی اصل یاد شده منجر شود یا آن را از محتوا تهی کند. به علاوه، محدودیت‌های که در مقام کسب و نشر اطلاعات بر رسانه‌ها اعمال می‌شود به لحاظ تعیین و اجرا باید فاقد ابهام بوده، و در عمل به محدودیت‌ها، باید به قدر متیقن بسنده کرد. (جاور، ۱۳۸۹ ص ۶۶)

د - محدودیت اطلاع‌رسانی به جهت تزامم با حقوق مصاحبه‌شوندگان

مصاحبه‌شوندگان از حقوقی برخوردارند که از جانب رسانه‌ها باید مورد رعایت قرار گیرد. در این میان بعضی از حقوق بویژه برای طیف‌های خاصی از مصاحبه‌شوندگان اهمیت بسزایی دارد. آزادی در انجام مصاحبه شامل حق اعلام‌رضایت در شروع و ادامه مصاحبه؛ رعایت حریم خصوصی مصاحبه‌شونده در قالب حق عدم افشای هویت، حق عدم پخش صدا، تصویر و سایر اطلاعات مربوط به هویت؛ حق مالکیت فکری بر مصاحبه در قالب حق فروش محتوای مصاحبه، حق اصلاح، سانسور و جلوگیری از پخش قسمتهایی از مصاحبه؛ و نهایتاً بحث استناد قضایی به محتوای مصاحبه از جمله این حقوق است و البته ضمانت اجرای برخورداری از کلیه این حقوق، "حق اعلام حقوق مصاحبه‌شونده" است. (ر.ک: حیدری، ۱۳۹۰، ص ۱۸۷ - ۱۸۵)

نتیجه‌گیری

۱- اصل آزادی اطلاع‌رسانی نه تنها به موجب اصله الاباحه مورد منع شارع نیست، بلکه دلیل بر تأیید شارع نیز وجود دارد و حتی در مواردی ضروری است. دلایل ضرورت آزادی اطلاع‌رسانی عبارتند از: ممنوعیت کتمان حق، مقدمه بودن برای انتخاب آگاهانه، ادله امر به معروف و نهی از منکر و ضرورت ادای حق.

۲- طبق آموزه‌های اسلام مردم باید محرم حاکمیت و آگاه از رویدادها باشند و هیچ اخبار و اطلاعاتی از آنان پنهان داشته نشود؛ مگر آنچه تخصصاً یا تخصیصاً خارج است مانند اخبار و اطلاعات امنیتی و طبقه بندی شده که برای مصلحت بالاتر همان مردم و همچنین همه نظام‌های عقلایی به اندازه ضرورت از نشر آن جلوگیری می‌شود؛ این حق، همگانی است و بدون ادای آن تکلیفی به اطاعت و حمایت از حکومت ندارند.



۳- از دیدگاه پیامبراسلام(ص) حقوق و وظایف سیاسی و ارتباطی مردم منحصر به حضور در صحنه و مشارکت در تصمیم‌گیریها نیست؛ بالاتر آن که در مرحله بعد هم مردم باید با نظارت بر عملکرد مسئولان، در جریان روند اجرای تصمیم‌ها قرار گرفته و ابراز نظر کنند؛ هر چند نظر آنان نشانگر مخالفت و نقد عملکردها باشد.

۴- ابراز مخالفت با وضع موجود و نقد عملکردهای جاری نه تنها مانعی ندارد و حق شهروندی محسوب می‌شود، که حق حاکمان نیز هست و می‌توانند یا باید آن را از مردم مطالبه کنند. مسئولان جامعه اسلامی، خود باید زمینه را برای چنین ارتباطات مردمی فراهم آورند. پیامبر اعظم (ص) برای تحقق این وضعیت دو رهنمود بسیار مهم و موثر به زمامداران و صاحبان قدرت سیاسی ارائه فرموده‌اند؛ نخست آن که مداحان و مجیزگویان را از خود طرد کنند؛ دوم آنکه برای استماع نقد و نظر آحاد جامعه وقت مشخصی اختصاص دهد. خداوند متعال یکپارچه "گوش" بودن پیامبر را خیر و رحمت نامیده و طعنه‌زنندگان را به عذاب دردناک آخرت تهدید می‌کند. با توجه به چنین آموزه‌هایی به صراحت می‌توان گفت که حق نظارت، نقد و اعتراض علنی به حاکمان در هیچ نظام سیاسی، به اندازه نظام اسلامی وجود ندارد.

۵- در بسیاری از دعاوی که علیه رسانه‌ها جهت نقض حریم خصوصی مطرح می‌شود، خواهان به حق حریم خصوصی خود استناد می‌کند و خواننده (رسانه) به حق آزادی اطلاع‌رسانی. این مساله وقتی جدی‌تر می‌شود که در می‌یابیم رسانه‌های نوین، قدرت بی‌سابقه‌ای برای درهم نوردیدن حریم خصوصی افراد کسب کرده‌اند. در خصوص اصل آزادی اطلاع‌رسانی دو دیدگاه در غرب مطرح است: نظریه آزادی مطلق و نظریه آزادی محدود. مطابق نظریه اول، ایجاد هرگونه محدودیت در مقابل جریان اطلاعات، تضييع حقوق طبیعی بشر است ولی نظریه دوم، این آزادی را نه به صورت مطلق، بلکه تابع محدودیت‌های متعدد، تجویز می‌کند و به عبارتی معتقد است حریم خصوصی خروج تخصصی از

آزادی اطلاعات دارد. نظریه دوم (خروج تخصیصی حریم خصوصی از آزادی اطلاعات) ایرادات کمتری نسبت به نظریه آزادی مطلق دارد، ولی این نظریه نیز قابل قبول نیست. زیرا در خروج تخصیصی لازم است استثنا و مستثانیه موضوعاً یکی باشند و صرفاً حکم آنها متفاوت باشد، در حالیکه موضوع آزادی اطلاعات، مسائل شخصی و حریم خصوصی نیست، بلکه مسائل عمومی است. بنابراین باید گفت حریم خصوصی تخصصاً و موضوعاً از آزادی اطلاعات خارج است.

۶- مقتضای فعالیت مقامات عمومی و رسمی به گونه‌ای است که باید نظارت‌های گوناگون، از جمله نظارت‌های مردمی بر اعمال این اشخاص وجود داشته باشد، گاهی به سبب این مصلحت برتر، حریم خصوصی اطلاعات این اشخاص در نظر گرفته نمی‌شود و اطلاعات آنها به آگاهی عموم می‌رسد یا حتی مورد بازرسی نهادهای عمومی قرار می‌گیرد. در فقه امامیه نقض حریم خصوصی اطلاعات مقامات (مثلاً در قالب غیبت) ممنوع می‌باشد و صرف اینکه زیان‌دیده جزء مقامات بوده مجوز نقض حریم خصوصی اطلاعات نمی‌باشد. البته استثنائات غیبت مانند نصح مستشیر در مورد مقامات بیشتر مصداق پیدا کند.

۷- اعمال محدودیت بر فعالیت رسانه‌ای و اطلاع‌رسانی اگرچه امری خلاف اصل است اما عندالاقضاء اعمال آن ناگزیر می‌شود و بر مبنای دو اصل مراعات دینی و مصلحت عمومی و در مواردی از جمله حفظ نظام، اقتضای عدالت اجتماعی، امنیت عمومی، پذیرفته شده و اعمال آن به ولی امر سپرده می‌شود که از مجرای کارشناسان و خبرگان فن و در چارچوب تشخیص مصالح اقوی و با رعایت اعمال حداقل محدودیت‌ها صورت می‌گیرد.

۸- نقل پاره‌ای از اخبار منجر به انتشار و اشاعه مطالبی می‌گردد که خلاف عفت و اخلاق عمومی است و موجب زیر سوال رفتن هنجارها و ارزش‌های اخلاقی می‌شود. بنابراین انتشار اینگونه اخبار ممنوع تلقی می‌شود، در بررسی این عنوان که یکی از تکالیف مبدء‌خبر است، بیش از

هر چیز شناخت مفهوم اشاعه فحشاء ضرورت دارد. منع اشاعه فحشاء تا حد زیادی به آثار اجتماعی هتک ستر توجه دارد.

منابع

۱. القرآن الکریم
۲. نهج البلاغه، (۱۳۷۹) ترجمه محمد دشتی، قم، مشرقین
۳. نهج الفصاحه (با تنظیم موضوعی)، (۱۳۸۴) دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ ۱۴
۴. آقای، بهمن، (۱۳۸۰)، حقوق بین‌الملل، ارتباطات و اطلاعات، مجموعه از اسناد مهم، تالیف ادوارد پلومان، ترجمه دکتر آقای، چاپ گنج و دانش، چاپ اول، تهران
۵. آمدی، عبدالواحد، (۱۳۸۱) غررالحکم و دررالحکم، قم، امام عصر،
۶. ابن منظور، جمال الدین ابن مکرم، (۱۴۰۵ ق) لسان‌العرب، نشر ادب الحوزه، قم.
۷. احمدی میانجی. میرزا علی، (۱۳۸۱)، اطلاعات و تحقیقات در اسلام، تهران، دادگستر
۸. اردبیلی، احمد، (۱۴۱۱ق) مجمع الفائده و البرهان، قم، موسسه نشر اسلامی،
۹. اسماعیلی، محسن، (۱۳۸۴) حاکمیت ملی و نظارت همگانی در فقه سیاسی و حقوق اساسی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم
۱۰. اسماعیلی، محسن، (۱۳۸۹) آزادی ارتباطات و اطلاعات در حقوق و معارف اسلامی، رسانه، ش ۶۹
۱۱. اسماعیلی، محسن، (۱۳۸۵) قانون مطبوعات و سیر تحول آن در حقوق ایران، تهران، سروش، چاپ ششم
۱۲. امامی، اسدا..، (۱۳۸۶) حقوق مالکیت معنوی، تهران، میزان، ج ۲
۱۳. امیرعلایی، شمس‌الدین، (۱۳۲۱ش) اثر مطبوعات و ادبیات سینما و تئاتر و مرور ارتکاب جنایات، مجموعه حقوقی، س ۶، ش ۴.
۱۴. انصاری، باقر، (۱۳۸۶) حقوق حریم خصوصی، تهران، سمت،

۱۵. انصاری، باقر، (۱۳۸۶) حقوق ارتباطات جمعی، تهران، انتشارات سمت،
۱۶. انصاری، مرتضی (۱۳۷۴) المکاسب، الجزء الثاني، ص ۲۱۴، قم، انتشارات ده‌قانی.
۱۷. ایازی، سیدمحمدعلی، (۱۳۸۶)، ملاکات احکام و شیوه‌های استکشاف آن، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
۱۸. تلخایی، مجید (۱۳۸۹) تحلیل فقهی اشاعه فحشا و تطبیق آن با فعالیتهای رسانه ای، فقه و حقوق ارتباطات، شماره اول،
۱۹. جاور، حسین (۱۳۸۹) جایگاه فقهی مصلحت عمومی در محدودیت اطلاع‌رسانی، فقه و حقوق ارتباطات، شماره اول،
۲۰. جعفری، علی (۱۳۸۹) مبانی روایی حمایت از حریم خصوصی، فقه و حقوق ارتباطات، شماره اول،
۲۱. جعفری، علی، (۱۳۸۴) نسبت رسانه‌های جهانی و بحران‌های جهانی با تاکید بر وقایع پس از ۱۱ سپتامبر، پژوهش و سنجش (پژوهش‌های ارتباطی)، ش ۴۲
۲۲. حر عاملی، (۱۳۷۲) وسایل الشیعه، الجزء ۱۲، قم، آل‌البیت
۲۳. حسینی شیرازی، سیدمحمد، (۱۴۱۴ هـ.ق)، القواعد الفقهیه، مرکز الثقافی الحسینی چاپ اول، بی‌جا
۲۴. حکمت‌نیا، محمود، مبانی مالکیت فکری، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷
۲۵. حیدری، علیمراد (۱۳۹۰) حقوق مصاحبه‌شوندگان در رسانه‌های عمومی، پژوهش‌های ارتباطی،
۲۶. خرازی، سیدمحسن، (۱۳۸۰) فی التجسس و التفتیش، فقه اهل بیت، ش ۲۶
۲۷. خمینی، سید مصطفی، تفسیر القرآن الکریم، ج ۵، ص ۵۴۴، قم، مؤسسه تنظیم و رشد آثار امام خمینی، ۱۴۱۵ ق
۲۸. خویی، سیدابوالقاسم، اجودالتقریرات، ج ۱، (تقریرات درس میرزای نائینی)، قم، مؤسسه صاحب‌الزمان (عج)، چ ۱، ۱۴۱۹ق،

۲۹. خویی، السید ابوالقاسم، مصباح الفقاهه، ج ۱، موسسه نشر الفقاهه، چاپ اول
۳۰. راسخ، محمد، (۱۳۸۱)، حق و مصلحت، نشر طرح نو، چاپ اول
۳۱. ری شهری، (۱۳۷۷) میزان الحکمه، قم، دارالحدیث،
۳۲. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقایق التنزیل، نشر ادب الحوزه، ج ۳،
۳۳. سبحانی، جعفر، تهذیب الاصول، ج ۲، (تقریرات درس امام خمینی)، قم، چاپخانه مهر، [بی تا]،
۳۴. صابری، حسین، (۱۳۸۴)، فقه و مصالح عرفی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، بوستان کتاب قم
۳۵. طباطبایی. محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، موسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۲هـ.ق
۳۶. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲) مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو،
۳۷. علامه حلی، (۱۴۱۰هـ.ق) المختصر النافع، تهران، الطبعة الثانية،
۳۸. علی آبادی، گیتا، مصاحبه با قربانیان و خانواده هایشان، فصلنامه رسانه، سال نوزدهم، شماره ۲، ۱۳۸۷
۳۹. فخار طوسی، جواد، (۱۳۸۵)، پژوهشی فقهی در خبر و خبرگزاری، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم.
۴۰. قانع، احمد علی، (۱۳۸۵)، محدودیت های پیام رسانی در قوانین دینی و بشری، مؤسسه بوستان کتاب، قم.
۴۱. قرشی البغدادی، جمال الدین، (۱۴۰۷هـ.ق)، قم، دارالفکر، جلد ۷
۴۲. قرطبی، ابی عبدالله محمد بن احمد انصاری، (۱۴۰۵هـ.ق) تفسیر القرطبی، جلد ۱۶
۴۳. کاظمی، محمد علی، فوائد الاصول، تقریرات درس نائینی، قم، انتشارات اسلامی، ۱۴۰۴ق
۴۴. کری، پیتر و ساندرز، جو، حقوق رسانه، ترجمه حمیدرضا، ملک محمدی، تهران، بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول، ۱۳۸۶

۴۵. کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، (۱۴۰۷ ق)، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه
۴۶. گروهی از نویسندگان، مسئولیت مدنی رسانه‌های همگانی، معاونت تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری
۴۷. مازندرانی، محمد، (بی تا)، شرح اصول کافی، جلد ۱۰
۴۸. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ هـ ق) بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، جلد ۷۲
۴۹. محمدی ری شهری، (۱۳۷۵) محمد، میزان الحکمه، قم، دارالحدیث، جلد ۱
۵۰. مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۹، انتشارات مصطفوی، تهران، ۱۳۷۲ ه. ش
۵۱. مصطفوی، محمد کاظم، القواعد، چاپ چهارم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۲۱ ق.
۵۲. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۹) مجموعه آثار (سیری در نهج البلاغه)، انتشارات صدرا، چاپ سوم، ج ۱۶
۵۳. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۹) نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، انتشارات صدرا، صص ۲۹-۲۷
۵۴. مطهری، مرتضی، (بی تا) پیرامون انقلاب اسلامی، انتشارات صدرا
۵۵. مظفر، محمدرضا، اصول الفقه، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ج ۳، ۱۴۱۶ ق
۵۶. معتمدنژاد، کاظم، (۱۳۸۶)، با همکاری معتمدنژاد، رؤیا، حقوق حرفه‌ای روزنامه‌نگاران، چاپ دفتر مطالعات و توسعه رسانه، چاپ اول
۵۷. معتمدنژاد، کاظم، (۱۳۸۷)، حقوق مطبوعات، سازمان چاپ و وزارت فرهنگ (ارشاد اسلامی)، تابستان ۷۹، چاپ پنجم
۵۸. معتمدنژاد، کاظم، (۱۳۸۶)، وسایل ارتباط جمعی، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ هفتم، تهران
۵۹. معین، محمد، فرهنگ فارسی، ج ۲، امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۳ ه. ش

۶۰. معینی علمداری، جهانگیر، رابطه مصلحت عمومی (آزادی فردی) مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
۶۱. مناوی، محمد، (۱۴۱۵هـ.ق) فیض القدير، ج ۳، بیروت، دارالکتب العلمیه، ج ۳
۶۲. منتظری، حسینعلی، نظام الحکم فی الاسلام، قم، نشر سرایی، چاپ اول، ۱۳۸۰
۶۳. موسوی بجنوردی، سیدحسن، (۱۳۸۹ق)، القواعد الفقہیہ، نجف، مطبعه الآداب.
۶۴. موسوی خمینی (امام)، روح ا...، (۱۳۶۸) المکاسب المحرمه، قم، اسماعیلیان، المجلد الاول
۶۵. موسوی خمینی (امام)، روح ا...، تحریر الوسیله، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، بی تا، ج ۲
۶۶. نائینی شیخ محمدحسین، تنبیہ الأمة و تنزیه الملة در اساس و اصول مشروطیت، تهران، چاپخانه فردوسی ۱۴۲۴ ق، چاپ اول
۶۷. نجفی، محمدحسن، (۱۳۶۰) جواهر الکلام، تهران، المکتبه الاسلامیه، جلد ۱۳
۶۸. نمازی، علی، (۱۴۱۹هـ.ق) مستدرک سفینه البحار، قم، موسسه النشر الاسلامی، جلد ۷
۶۹. هوسمن، کارل، حمایت از حریم خصوصی افراد در برابر حق آگاهی، داوود حیدری، رسانه، س ۷، ش ۱۳۷۰

منابع انگلیسی

79. Anderson v. Sweden, Court Judgment, 25 February 1992, Series A, No. 226, 14 E.H.R.R. 615 at 643-644. available at: <<http://cmiskp.echr.coe.int/tkp197/portal.asp? Id=9958638 skin = hudoc - en&action=request>> , para.75
80. Josef, Sarah, Jenny Schultz, Mellissa Caston (2000), the international covenant on civil and political rights, Cases, Materials and Commentary, Oxford University Press, p.348 and seq.
81. Privacy Countdown. Contributors: John Byrne - author. Journal Title: ABA Banking Journal. Volume: 93. Issue: 5. Publication Year: 2001. Page

Number: 59. COPYRIGHT 2001

82. Simmons-Boardman Publishing Corporation; Is Privacy Now Possible? A Brief History of an Obsession. Contributors: Anita L. Allen - author. Journal Title: Social Research. Volume: 68. Issue: 1. Publication Year: 2001;

83. The national Victim Center, Crime Victim,s Privacy Rights in the Media; [www.nvs.org/ddir/in i ons /fo35.htm](http://www.nvs.org/ddir/in%20i%20ons/fo35.htm)

84. Professional Practice Policy of Herald and Weekly Times Limited in Australia: [www.ijnnet.org/FEArticle/Codeethics,asp](http://www.ijnnet.org/FEArticle/Codeethics.asp).

85. Professional Practice Policy of Herald and Weekly Times Limited in Australia: www.ijnnet.org/FEArticle/Codeethics,asp